

پیشخوان

حاشیه‌ای بر باز نشر اثر تاریخی «سیره شهید رجایی»

شناختنامه یک نماذ

محبوب شهبازی

در میان چهره‌های صدر انقلاب که در پرتوی نهضت امام خمینی (ره) نامشان بر سر زبان‌ها افتاد معدود اشخاصی را می‌توان یافت که همچون شهید رجایی در فاصله کوتاهی به اوج محبوبیت رسیده و به اندازه‌او

مقبولیت پایدار و مردمی یافته‌باشند و سبک و سیاق وی در نحوه سلوک و مدیریت جامعه به عنوان شیوه‌ای بدیع و مطلوب وارد ادبیات سیاسی کشور شود. سخن در این است که چگونه یک نام از میان ده‌ها، بلکه صد‌ها نامی که انقلاب اسلامی بر سر زبان‌ها نداخته‌است حداقل در مقطعی از تاریخ انقلاب پیشی می‌گیرد و نسبتی میان خود و جامعه برقرار می‌سازد که کم‌ترین دستاورد آن جلب علاقه عمومی و کسب اعتماد کامل مردم است.

برای یافتن پاسخ این پرسش بایستی به جوهره مردمی انقلاب اسلامی و آستانه تحول در نوع نگارش به نقش و حضور مردم در کلیه شئون اجتماعی در صبح انقلاب رجوع و درباره ویژگی‌های آن تأمل کرد.

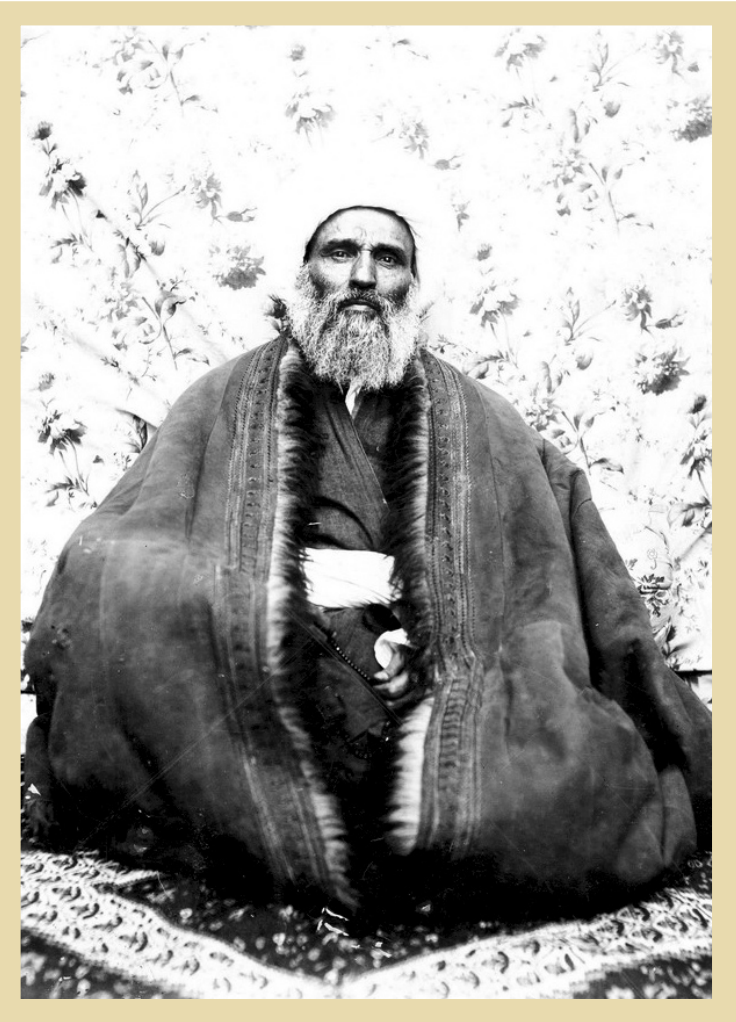
نهضت اسلامی برخاسته از اراده جمعی ملت ایران در راستای مهندسی تاریخی جدید با محور قرار دادن مشارکت مردم در سرنوشت خود و کشور آینده‌ای درخشان برای احداث شهر وندان را موضوع اقدام هوشمندانه خود قرار داد، همان آرمانی که بیش از یک قرن در قاف فکری هریرانی حضور و نمود داشت.

بی‌تردید فصل جامع مردم‌سالاری را می‌توان در شخصیت شهید رجایی یافت. همو که بهترین لحظات عمر خود را در بین مردم گذراند، مردم همه علائقش را شکل می‌دادند و او خود را بدفکار مردم می‌دانست و می‌گفت: «تا زنده‌ام آسوده نخواهم شد، مگر اینکه دین خود را به ملتی که من و امثال مرا ز زندان آزاد کرد و به من و امثال من حیثیت بخشید ادا کنم».

شهید رجایی همچون قهرایی در درسی مردم آرام می‌گرفت و با صفا و صمیمیت با آنان بر خورد می‌کرد و مردم را عضو کابینه خود می‌دانست. مصداق عینی آن نیز تصویب ده‌ها طرح حمایتی از اقشار مختلف مردم، به‌ویژه قشرهای آسیب‌پذیر جامعه بود. شهید رجایی به گاه مبارزه با آگاهی از اینکه ورود به این عرصه چه میزان مجاهدت می‌طلبد و چه سختی‌هایی در پی



دارد، در برابر رسالت تاریخی خود بی تفاوت نماند و با پایداری و مقاومت در برابر انواع شکنجه‌ها چهره‌های اسطوره‌ای از خود به یادگار گذاشت و آنگاه که در بستر تفکرات ملل‌گرا و خودمجور برخی کشتگران سیاسی اعم از افراد، احزاب و گروه‌ها که با کمترین وزن سیاسی خواب‌سیادت می‌دیدند و با کشتادن جامعه به سوی دو قطب «سنست» و «مدرنیزم» همدلی و اتحاد مردم را هدف قرار داده بودند، وارد میدان شد و آماج طعن و اتهام را به جان خرید و با نزدیک شدن به مردم اقدام مؤثری در تثبیت خط انقلاب و حفظ وحدت و همدلی و بر پایه ارزش‌های معنوی به عمل آورد. سال‌های مبارزه به شهید رجایی آموخته بود مردم هرگز نقل هر حرکتی هستند و بدون مردم هیچ اقدامی راه به انجام نمی‌برد. از این‌رو از ابتدا در کنار مردم ایستاد و سراسر زندگی پر فراز و نشیبش به همراهی و همدردی با آنها سپری شد. او با طبقات و افراد گوناگون ارتباط برقرار می‌کرد و می‌گفت: «در تمام لحظات زندگی با مردم بودام و با مردم هم خورام ماند.» او می‌خواست که مردم از بند استبداد و استعمار برهند و آزادانه به درک درستی از حق و حقوق خود برسند. شهید رجایی یکی از رکان استوار عدالت و فقیهت در فضای انقلاب بود که با رأی مردم بر سر کار آمد و به منایب یک مصلح بزرگ درمندان به چارچوبی مشکلات مردم پرداخت. «سیره شهید رجایی» به عنوان مجموعه روایت‌های شفاهی است که با همت برادر سخت‌کوش و پژوهشگر جناب آقای دکتر غلامعلی رجایی با زحمات طاقت‌فرسایی فراهم آمده است. ایشان برای ثبت هر روایت ساعت‌ها وقت صرف کرد و ایستاب‌ه سفری دراز رفت و گاهی برای ثبت یک خاطره از سال‌های دور زندگی شهید رجایی مثلاً دهه‌های ۴۰ و ۵۰ پس از جست‌وجوهای بسیار به روی دست می‌یافت و خاطره‌وار او را در کتاب حاضر جای می‌داد. دقت و انصاف نکاتی هستند که در مطالعه این مجموعه کتاب به چشم می‌خورد. با وجود فراهم آمدن بیش از ۲ هزار خاطره درباره شخصیت و زندگی شهید رجایی بر هیچ‌یک از این خاطرات سستی راه ندارد و هیچ کدام از نظر مضمون تاریخ و موقعیت‌یگدر با نغی نمی‌کنند، بلکه همچون پارلی مینیاتوری به ترسیم دقیق زندگی و شخصیت یکی از ماندگارترین رجال انقلاب می‌پردازند. همچنین روایتان خاطرات از میان طبیف‌های مختلف سیاسی انتخاب شده‌اند و گزینش آنها جان‌بدارانه نبوده است. همین امر بر تنوع و غنای این نوشته‌های سیاسی انتخا بدهنده است. نکته‌ای که درمندان به آن را جامع‌الاطراف و خواندنی تر کرده است. کتاب «سیره شهید رجایی» -شناخت‌نامه‌ای است که حتی برای نزدیکان وی نیز حاوی نکات تازه‌ای است، چنان‌که از همسر ایشان نقل است که «شهید رجایی را بعد از خواندن این کتاب بیشتر شناختم».



آیت‌الله العظمی آخوندمحمدکاظم خراسانی رهبر روحانی انقلاب مشروطیت ایران

آیت‌الله موسوی اردبیلی: این مطالب از دو لحاظ قابل تشکیک و خدشه است. اول جهت آن، نبودن سند قوی و درست در این نقلیات است. یعنی یک شخصی مطالبی را طبق برداشت خود با ادعای نقل از آقا بزرگ تهرانی، به آخوند خراسانی نسبت داده و بسیار بعید است که آخوند خراسانی این مطالب را گفته باشد. جهت دوم قضیه این است که مطالب ادعا شده به گونه‌ای است که گویی شخص آخوند در تمام وقایع انقلاب اسلامی ما حاضر بوده است و همه چیز را عیناً و ملموساً مشاهده کرده است!

نظری بر انتساب گفت‌وشنودی مشکوک به آیت‌الله العظمی ملامحمد کاظم خراسانی

خدعه با آخوند!

علی احمدی فراهانی

داستان از آنجا شروع شد که فردی به نام اکبر ثبوت (نواده برادار علامه شهید آقا بزرگ تهرانی) جزوهای را انتشار داد که مدعی شده بود حاوی بیانات آیت‌الله العظمی آخوند ملامحمد کاظم خراسانی در نقد اندیشه حکومت دینی است که در ضمن یک گفت‌وشنود بیان شده است. مطالب این وجیزه اما، بس سست و سطحی و نیز غیر موثق می‌نمود، چه اینکه اولاً: حواشی آخوند خراسانی بر مکاسب شیخ انصاری و دیدگاه‌های وی در میبحث قضا، نافعی گفته‌های منتسب به او بود و علاوه بر این کار کرد آخوند در پیگیری و تصویب حضور مجتهدان تراز اول در مجلس شورا برای تطبیق مصوبات بر موازین شرعی، نشان از اعتقاد وی به حکومت دینی داشتی. انتشار گسترده این جزوه در فضای مجازی –که اشکال مختلف و متنوعی هم دارد- در میان علما و محققین واکنش‌هایی چند را موجب گشت که چهار مورد از آن پیش روی شماست. شایان ذکر است این باز‌نمایی، به مناسبت سالروز درگذشت آخوند خراسانی به شما تقدیم می‌شود.

آیت‌الله العظمی سید عبد‌الکریم موسوی اردبیلی: بسیار بعید است آخوند خراسانی این مطالب را گفته باشد

یکی از مهم‌ترین واکنش‌ها به مطالب منتشر شده توسط اکبر ثبوت، توسط آیت‌الله العظمی حاج سید عبد‌الکریم موسوی اردبیلی از مراجع تقلید قم ابراز گشت که با ظن قوی، مطالب این جزوه را غیرواقعی و کذب قلمداد کرد. آیت‌الله اردبیلی از دو جنبه مطالب منتشر شده را مخدوش و غیرواقعی دانست. ایشان در دیدار با مسئولان کنگره بزرگداشت آخوند خراسانی در قم گفت:

«در باره مطالب منتسب به آخوند خراسانی در مورد اشکالات برپایی حکومت اسلامی توسط افراد غیر معصوم، باید عرض کنم که این مطالب از دو لحاظ قابل تشکیک و خدشه است. اول جهت آن، نبودن سند قوی و درست در این نقلیات است. یعنی یک شخصی مطالبی را طبق برداشت خود با ادعای نقل از آقا بزرگ تهرانی، به آخوند خراسانی نسبت داده و بسیار بعید است که آخوند خراسانی این مطالب را گفته باشد. جهت دوم قضیه این است که مطالب ادعا شده به گونه‌ای است که گویی شخص آخوند در تمام وقایع انقلاب اسلامی ما حاضر بوده است و همه چیز را عیناً و ملموساً مشاهده کرده است، در حالی که تصور ذهنی با واقعیت‌ها بسیار فاصله دارد و انسان تا در جایگاهی واقع نشود بسیاری از حوادث آن جایگاه را درک نخواهد کرد. لذا تحقیق مناسبی در مورد این نوشته‌های منسوب به آخوند و صحت و سقم آن – که البته جهت کذب آن واضح‌تر است- ضروری می‌نماید. از طرفی آخوند میزات و فضایی دارد که جا دارد به آنها پرداخته شود، مثلاً جنبه شاگرد پروری ایشان، روزی استاد بنده مرحوم آیت‌الله خویی به

تاریخ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۸

العظمی شاه‌آبادی (قدس سره الشریف) در رابطه با فوت مرحوم آخوند، می‌فرمودند: «مرحوم آقای آخوند تصمیم گرفته بودند راجع به قضیه مشروطه از نجف به طرف تهران حرکت کنند. تا آخر شش خدمتشان بودم و در ایشان هیچ عارضه‌ای مشهود نبود. صبح بعد از نماز هنگامی که از حرم بیرون آمدم شنیدم که مرحوم آخوند رحمت خدا رفته‌اند.» لذا مرحوم پدر اعتقادشان بر این بود که مرحوم آخوند را مسموم کرده‌اند و به شهادت رساندند.»

آیت‌الله سیدهادی خسروشاهی: به داستان سرایی بیشتر شباهت دارد تا یک تحقیق علمی – تاریخی!



محقق و نویسنده نامدار معاصر، آیت‌الله سید ها د ی خسروشاهی نیز از جمله چهره‌هایی است که در وثاقت مطالب منتسب به آخوند، در دید دارد و آن را بیشتر به «افسانه‌بافی» و «داستان‌سرایی» شبیه می‌داند! استاد خسروشاهی از آن جنبه که جد وی آیت‌الله حاج‌سیداحمد خسروشاهی نیز در جزوه ثبوت مورد اتهام قرار گرفته بود، در گفت و گو با ماهنامه «شاهد یاران» یادنامه شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری اظهار داشت: «ثری که در سال‌های اخیر منتشر شده و به افسانه‌بافی و داستان‌سرایی بیشتر شباهت دارد تا یک تحقیق مستند علمی- تاریخی، نوشته‌های آقای ثبوت در کتاب «دین و فرهنگ» است که در فصل دوازدهم و تحت عنوان «گفت‌و‌گوهای موافقان و مخالفان مشروطه» از قول مرحوم علامه آقا شیخ بزرگ تهرانی و به نقل از آخوند خراسانی مطالبی را که به گفته ایشان متکی به حافظة نیرومند آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی است، در چند ده صفحه! مطرح کرده که با مطالعه دقیق آن، داستان‌سرایی بودنش بر اهالی تحقیق کاملاً روشن می‌شود. البته خلاصه و لُبّ مطلب ایشان مخالفت با حکومت دینی است‌او می‌خواهد آن را از قول مرحوم آخوند خراسانی اثبات کند، ولی توضیح نمی‌دهد آخوند اگر مخالف این امر بود، چرا حکومت مشروطه را تأیید کردند؟ چندی پیش در منزل آقای روشن ضمیر از همکاران وزارت خارجه در دیداری با محقق محترم جناب آقای اکبر ثبوت در مجلس افطاری ماه مبارک رمضان سه سال قبل که ش‌خصیت‌هایی چون

آیت‌الله حاج شیخ نصرالله شاه‌آبادی: نویسنده هدفی جز فتنه‌گری نداشته است



شاه‌آبادی فرزند آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی شاه آبادی و نماینده کنونی مردم تهران در مجلس خبرگان نیز، از جمله کسانی است که طی

اطلاعه‌ای، مطالب جزوه ثبوت را مجعول و انتساب آن را از سر «فتنه‌گری» قلمداد کرد. وی در این اعلامیه، همچنین از خاطر پدر نامدار خویش با آخوند خراسانی در واپسین شب حیات وی پرده برداشت. متن اطلاعیه آیت‌الله شاه‌آبادی بدین شرح است:

«به عرض مؤمنین و مؤمنات و علما و دانشمندان می‌رساند، در رابطه با جزوهای که فردی از طبقات دوم و سوم از تبار مرحوم آیت‌الله حاج آقا بزرگ تهرانی (قدس سره) پس از گذشت بیش از ۳۰ سال از انقلاب اسلامی به رهبری قبیله عارف و جامع‌المعقول و المنقول و العارف بزانه، حضرت امام خمینی (قدس‌الله روحه الشریف) منتشر گردیده است، هدفی جز فتنه‌گری نداشته، زیرا: اولاً: مطالب مرقومه در آن کذب و افتراء بر بزرگان مانند مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آخوند خراسانی و مرحوم آیت‌الله میرزای نائینی و نیز مرحوم آیت‌الله حاج آقا بزرگ تهرانی (قدس‌الله اسرارهم) می‌باشد، زیرا اگر چنین چیزی اصل داشت، چرا پس از گذشت ۳۰ سال از انقلاب و در زمان ظهور فتنه فتنه‌گران ظاهر گردید؟ و دلیل بر کذب هم آن است که مرحوم آخوند خراسانی خود از معتقدین به حکومت فقها بوده است و لذا کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله مرحوم نائینی را تقریظ و تأیید کرده‌اند، و حال آن که در بخش‌های گوناگون و موارد متعدد از این کتاب، بحث نیابت عامه و حاکمیت سیاسی فقیه، امری مسلم و قطعی به‌شمار آمده است. از طرف دیگر مرحوم آخوند در کتاب حاشیه مکاسب نیز مشروطیت تصرف را از باب قدر متیقن – منحصراً به فقیه می‌دانند. همانگونه که رأی استاد معظم آیت‌الله العظمی خویی (رضوان الله تعالی علیه) نیز همین بوده است و حکومت و اداره بیلاد را از اظهار مصادیق امور حسیه می‌دانستند. ثانیاً بحث ولایت فقیه حضرت امام (قدس سره) در نجف اشرف شروع گردید و در همان زمان مرحوم حاج آقا بزرگ در نجف حضور داشته و روابط ایشان با مرحوم امام (قدس سره) دوستانه بود و حتی یک کلمه از موضوع مورد در این جزوه به میان نیامد! ثالثاً اذله نقل شده علی‌تقدیر صحت نقل، بتمام‌ها موهون و مردود می‌باشد. زیرا اگر لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت – که در بحث ولایت فقیه مطرح می‌گردد- نافی همه دلیل‌هایی است که در این جزوه طرح شده است. رابعاً افشاری مرحوم آخوند خراسانی بر مشروطه همان حکومت اسلام و اجرای فرامین فقها و مجتهدین بود و حتی قانون اساسی پنج مجتهد جامع‌الشرایط وجود داشته تا تمام قوانین با تأیید آن پنج فقیه بوده باشد، ولی چون متوجه شدند که این امر صوری است مخالفت نموده و تصمیم بر حرکت به ایران جهت تصرف آن نمودند. مرحوم ولی، آیت‌الله

حجت‌الاسلام دکتر حمید پارسانیا: استدلال‌های فقهی آخوند با متن کتاب جمع نمی‌شود



حجت‌الاسلام دکتر حمید پارسانیا، از جمله محققانی است که نقد خود بر جزوه منتشره توسط اکبر ثبوت را، در مناظره‌ای و در حضور خود وی بازگفت. پارسانیا اما، برخلاف برخی دیگر از علمای حوزه به جای نقد سندی، از جنبه دلالتی این جزوه را نقد کرد و مطالب آن را از اساس غیر مرتبط با چالش‌های دوران مشروطه دانست. به باور پارسانیا اساساً دو‌گانه دوران مشروطه، دو‌گانه مشروطه خواه- مشروطه‌خواه بوده و نه دو‌گانه موافق- مخالف ولایت فقیه. وی در این باره می‌گوید: «کتاب آقای ثبوت از کمترین کارهایی است که به صورت وسیع، در معرض مطالعه همه قرار گرفته است. کتاب حدود ۱۰۰ صفحه است. که البته ۵۰ صفحه‌ا از آن، محل بحث است. روش‌های مختلفی برای تعامل با متن وجود دارد که بخش قابل توجهی از نقدهایی که تاکنون شده، مربوط به نویسنده بود و بخشی هم نقدهای معرفتی به متن است. از جهات مختلف از جمله سند و محتوا، می‌توان به این متن پرداخت. باید به گونه‌ای به متن پرداخت که بین استدلال‌های مرحوم آخوند خراسانی و فعالیت‌های او و آنچه کتاب مدعی است در محافل خصوصی مطرح شده، جمع کنیم و ببینیم این موارد چگونه قابل جمع است؟ بحث ما در اینجا فقهی نیست، ولایت فقیه در حاشیه بحث دیگری به نام ولایت ائمه معصومین قرار می‌گیرد. لذا در کتاب مورد نظر بین دو چیز خلط شده و آن مقام فتوا و نظریه‌ای یک سو و ظرفیتی که در مقام اجرا وجود دارد، از سوی دیگر است. از طرف دیگر باید دید در دوره مشروطه صحنه نزاع بین مشروطه‌خواهان یا مشروطه مشروطه‌خواهان چه مقوله‌ای بوده است؟ باید گفت در آن دوره هیچ کس ادعای ولایت فقیه نداشت و بعدها تنها کسانی که بحث حکومت اسلامی را مطرح کردند، فدائیان اسلام بودند. البته ولایت فقیه از عصر غیبت مطرح بوده است، اما تشیع عمدتاً در اقلیت بوده و این مسئله قابل تحقق نبوده است. در دوره قاجار در بخش‌های مختلفی حکومت دینی جوانه می‌زند ولی آسیب‌های مختلفی آن را تهدید می‌کند. باید



آیت‌الله العظمی آخوند خراسانی در مسیر بدرین در نجف



آیت‌الله نصرالله شاه‌آبادی: مرحوم آخوند خراسانی خود از معتقدین به حکومت فقها بوده است و لذا کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله مرحوم آیت‌الله نائینی را تقریظ و تأیید کرده‌اند، و حال آن‌که در بخش‌های گوناگون موارد متعدد از این کتاب، بحث نیابت عامه و حاکمیت سیاسی فقیه، امری مسلم و قطعی به‌شمار آمده است. از طرف دیگر مرحوم آخوند در کتاب حاشیه مکاسب نیز، مشروطیت تصرف را از باب قدر متیقن – منحصر به فقیه می‌دانند

دید صحبت آخوند دقیقاً چیست؟ او اصل ولایت فقیه را قبول ندارد، یا اینکه می‌گوید نمی‌توانیم آن را اجرا کنیم؟ باید دید حرف آن موقع آخوند، در زمان کنونی کاربرد دارد یا نه؟ استدلال‌های آخوند در حاشیه مکاسب یا دیگر کتاب‌ها صریح است و حد وسط را امور حسیه می‌داند. شما اگر این نوع حکومت نبود، پس چرا برای تشکیل مشروطه اقدام کرد؟ آیا حکومت مشروطه‌ای که مرحوم آخوند هادار تأسیس آن بود، نوعی حکومت دینی نبود؟ نکته‌ای که ذکر آن ضروری است این که با کمال تأسف جناب مؤلف محترم افکار و اندیشه‌های خود را بنا بر مصالحی به روایت از بزرگانی چون آیت‌الله آخوند خراسانی نقل می‌کند که گویا مرحوم آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی پس از مرور زمانی حدود یک قرن همه آنها را در حافظه خود داشته است‌او مؤلف محترم هم در کمال امانت همه آنها را با ذکر منابع نقل کرده است. ای کاش مؤلف محترم به عنوان یک فرد مستقل افکار و اندیشه‌های خود را آن طوره که لازم بود مطرح می‌کرد و با استشهاد به منقولات لافل مشکوک! ارزش اثرش را از بین نمی‌برد و ضایع نمی‌ساخت.»